

قصر شیرین و مانده‌های آن

غلامعلی حاتم*

استاد گروه پژوهش هنر، دانشگاه هنر تهران

چکیده

قصر شیرین، همان‌طور که از اسمش پیداست به نام شیرین، همسر خسرو پرویز ساسانی ساخته شده است، در این شهر ویرانه‌های چند کاخ ساسانی و آثار دیگری که حاکی از آبادی و وسعت ابنیه دوره ساسانی بوده، باقی مانده است. گفته می‌شود در کاخ خسرو، باغ بزرگی شبیه به باغ وحشهای امروزی وجود داشته است؛ همچنین ویرانه‌های یکی از بزرگترین آتشکده‌های دوره ساسانی به نام چهارطاقی یا چهارقاپی، هنوز باقی است و نیز در بقایای مجموعه حاجی قلعه‌سی بناهای دوطبقه‌ای مشاهده می‌شود که احتمالاً به اداره بزرگ ارتش داران آن زمان، مربوط بوده است. بقایای نهر طویلی به نام شاهگدار که دیواره‌هایش با سنگهای تراشیده سرخ رنگ توأم با ملاط ساخته شده، در نزدیکی شهر پیداست.

متأسفانه بقایای این آثار، در جنگ تحمیلی آسیب فراوان دیده است.

کلیدواژگان: قصر شیرین، کاخ خسرو، چهارقاپی، حوش کوری، حاجی قلعه‌سی، نهر شاهگدار.

۱- مقدمه

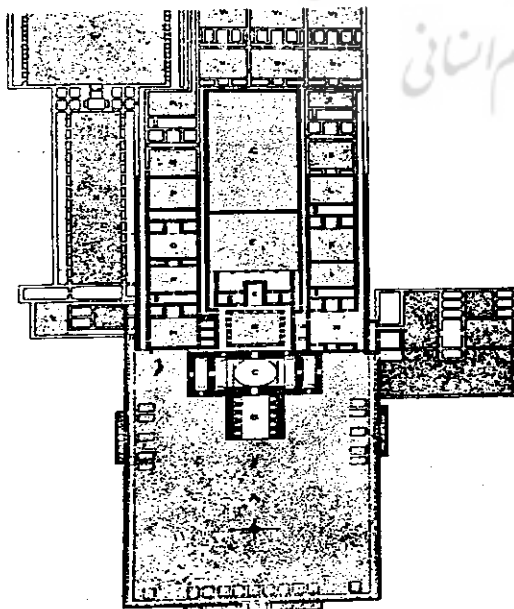
منسوب به خسرو دوم (ملقب به پرویز) بوده، گواه روزگار آبادی و شکوه این شهر است. اخترشماران پرویز را از اقامت در تیسفون پایتخت معروف ساسانیان برحذر داشته بودند؛ از این رو، وی غالب اوقات خود را در قصور و ابنیه‌ای که در کرمانشاه، قصر شیرین و نواحی دیگر این سامان داشت، می‌گذراند [۴، ص ۷۷]. ظاهراً خسرو پرویز برای همسر مسیحی خود شیرین، کاخ بزرگی در این شهر برپا می‌کند [۵، ص ۶۰]. این کاخ در مجموعه وسیعی متشکل از چند ساختمان، جای داشته است.

بنا بر نوشته‌های مورخان عرب در ازمنه قدیم، اطراف ابنیه‌ای که اکنون به صورت توده‌ای از سنگ‌پاره و دیوار خرابه به چشم می‌خورد، مجموعه‌ای به وسعت ۱۲۰ هکتار شامل باغها، عمارتها تفرج‌گاه، آب‌نماها، باغ‌وحشها و جنگلهایی بوده که حیوانات کم‌نظیر در آن به آزادی می‌زیستند و آب رودخانه حلوان را به آنجا آورده و به وسیله مجرای که حفاظ آنجا را هم تشکیل

شهرستان مرزی قصرشیرین در ۱۶۶ کیلومتری غرب کرمانشاه و در ۲۱ کیلومتری خاک عراق واقع شده است. قصر شیرین از سمت شمال و غرب به کشور عراق، از شرق به سرپل‌ذهاب و گیلان‌غرب و از جنوب به استان ایلام و عراق محدود است. این شهر قدمتی درخشان و تاریخی دارد. از عهد باستان تا حال مشرف بر شاهراه اصلی بین جلگه بین‌النهرین و فلات ایران بوده است [۱، ص ۲۵۷]. شهر در کنار جاده‌ای که از تیسفون به اکباتان، پایتخت ماد، امتداد داشته، قرار گرفته است [۲، ص ۳۳]. وجود رودخانه الوند در حفظ اهمیت و زیبایی شهر، طی قرون متمادی مؤثر بوده است. اوج عظمت و آبادی این شهر به دوران سلطنت خسرو پرویز ساسانی مربوط است [۳، ص ۲۹۳]. ویرانه، چند کاخ ساسانی و آثار دیگری که حاکی از آبادی و وسعت ابنیه دوره ساسانی در این محل است، هنوز بعد از مدتی به چشم می‌خورد. مجموعه وسیع خرابه‌هایی که به نام عمارت خسرو مشهور و



وسعت ۹۹ متر متهی می‌شد [۹، ص ۱۸۸]. کاخ مزبور، ساختمانی به درازای ۳۷۲ متر و پهنای ۱۹۰ متر بوده که ترکیب کلی آن نظیر کاخهای فیروزآباد و سروستان است. ایوان وسیع ستون داری شبیه به ایوان کاخ دامغان، به تالار مربعی راه می‌داد که گنبدی به قطر ۱۵ متر آن را می‌پوشاند و در جوانب آن تالارهای طولی با سقفهای استوانه‌ای ساخته شده بود. در ماورای این ساختمان، حیاطی به منزله پیش‌آمدگی کاخ وجود دارد که مدخل منازل خصوصی و متعلقات بنا بوده است. حیاط اصلی به دو حیاط دیگر که به دنبال یکدیگر و در محور اصلی واقع شده، مربوط بوده و بعد از آن با دالان طولی به هشت حیاط دیگر که در طرفین آن قرار داشته، بازمی‌شده‌اند [۱، ص ۲۵۷ و ۲۵۹]. هنوز دالانهایی که به جای پی برای «تختگاه» بنا ساخته شده بوده، دیده می‌شود. روی این تختگاه، کاخ شاهنشاهی برپا بوده است. این کاخ در سمت مشرق، یک مهنابی و یک ایوان وسیع داشته [۷، ص ۹۹] که احتمالاً معمار این کاخ در ساخت آن، کاخ داریوش هخامنشی در تخت جمشید را در نظر داشته است. این کاخ از لحاظ مساحت و حیاطهای متعدد ملحق شده، مفصل‌تر از اکثر بناهای ساسانی است [۸، ص ۱۵ و ۱۶]. با این بنای عظیم هنوز هم طرح و شالوده آن پیدا و بقایای طاق تالارها و ستونهای بزرگ آن که در پشت سکوی بلند و رفیع جای داشته، نمایان است [۱۰، ص ۲]. در بعضی جاها، دیوار کاخ هنوز نمودار است و ارتفاع آن به شش متر و نیم می‌رسد (شکل ۲).



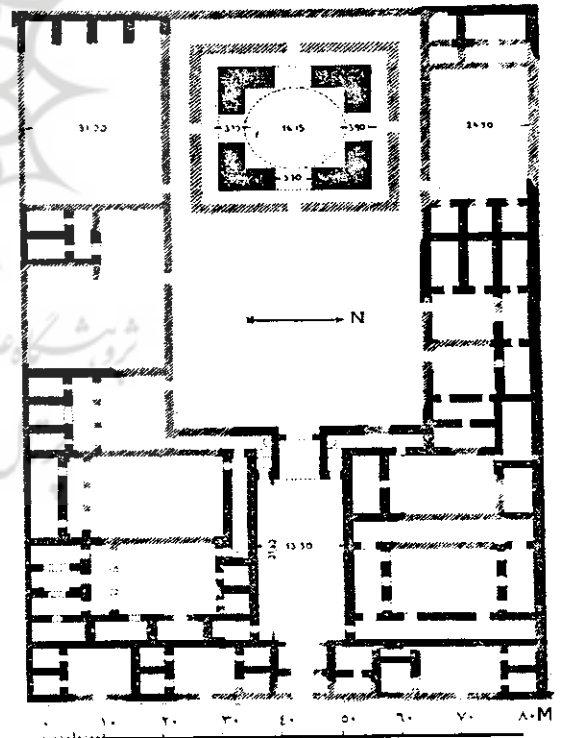
شکل ۲ نقشه قصر شیرین

می‌داده توزیع می‌کرده‌اند [۱، ص ۲۵۷]. بقایای قنوات و راه‌آبها هنوز باقی است.

مورخان یکی از کاخهای معروف ساسانیان را که در اینجا وجود داشته و به نام عمارت خسروی بوده، ذکر کرده‌اند، و بنا بر قصص رایج، که ممکن است صحیح باشد، شیرین، محبوبه پرویز در آنجا اقامت داشته است [۶، ص ۴۷۶]. علت نامگذاری این شهر، همین قصر شیرین می‌باشد. این کاخ در سال ۶۲۸ میلادی به دست هرقل امپراتور روم خراب شد [۷، ص ۹۸].

۲- کاخ خسروی

این اثر تاریخی به اواخر دوره ساسانی، زمان خسرو پرویز (۶۲۸-۵۹۰ میلادی) پادشاه ساسانی مربوط است [۸، ص ۱۵]. کاخی که هنوز هم آن را عمارت خسرو می‌خوانند و شامل منزل رسمی و خصوصی شاه بوده است (شکل ۱).



شکل ۱ نقشه قصر شیرین: زمان خسرو پرویز ساسانی (۵۹۰-۶۲۸ م.)

از بقایای کاخ خسرو معلوم می‌شود که این قصر عظیم ساسانی، روی صفه‌ای به ارتفاع هشت متر برپا شده است [۳، ص ۲۹۳] و به وسیله پلکانهای نظیر پلکانهای بزرگ تخت جمشید، به آنجا آمد و رفت می‌کردند. این پلکانها به ایوانی به

(چهار دروازه) می‌نامند و ظاهراً آتشگاه بوده، وجود داشته است» [۶، ص ۴۷۶].

کریستی ویلسن^۱ می‌نویسد: «در چند مایلی داخل خاک ایران در قصر شیرین و در سر راه کرمانشاه به بغداد خرابه‌های بنای ساسانی است که به خسرو پرویز نسبت داده شده است. نقشه آن خیلی عظیم به نظر می‌آید و باغ محصور قصر ۳۷۰ متر طول و ۱۹۰ متر عرض داشته است. خود قصر روی صفه‌ای به ارتفاع هشت متر ساخته شده و شامل ایوان سه‌طرفه‌ای در جلو بوده که پشت آن اتاق بسیار بزرگی به شکل مربع مستطیل داشته و در عقب آن حیاطی که دور آن اتاق‌هایی ساخته شده، بوده است» [۱۳، ص ۱۲۳ و ۱۲۴].

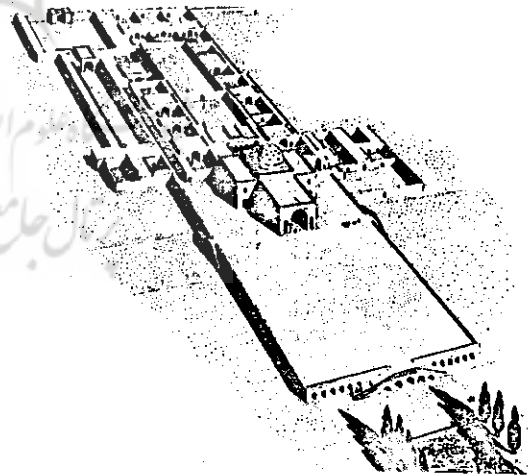
پوپ^۲ در این باره می‌گوید: «این کاخ که گمان می‌رود خسرو پرویز برای همسر مسیحی‌اش ساخته، اینک تقریباً به کلی خراب است. آن را روی صفه‌ای مصنوعی ساخته‌اند که پلکانی دو طرفه شبیه تخت جمشید دارد و از لحاظ وسعت زیاد ظاهراً تقلید آگاهانه‌ای از آثار هخامنشی است که در آغاز عصر ساسانی مشاهده آن، بوده‌ایم. پیداست که تمام این مجموعه آن به باغهای وسیع و با شکوهی مشرف بوده است» [۵، ص ۶۰] (شکل ۳).

مجموعه این مکان تاریخی که در نوع خود بی‌نظیر بوده، و به قول یاقوت حموی «از عجایب عالم محسوب می‌شد»، بعد از مرگ خسرو پرویز بیش از ده سال داوم پیدا نکرد [۱، ص ۲۵۹]: زیرا به واسطه حمله اعراب، دولت ساسانیان از هم متلاشی گردید و از آن زمان دیگر به آبادی قصر شیرین توجهی نشد. نظر به تعجیل خسرو پرویز در بنای این عمارت، دقت لازم و کافی در ساخت آن مبذول نشد و به علت نداشتن استحکام، پس از اندک مدتی رو به ویرانی نهاد. مصالح اصلی این مجموعه شامل سنگهای طبیعی صحرائی است که در این نواحی معمولاً قرمز رنگ بوده و با گچ بندکشی می‌شده‌است. توده‌های بزرگ سنگ و گچ خرد شده و سایر خرابه‌ها که امروز دیده می‌شود، نمایانگر زیبایی و لطافت باغهای مصفا و شکوه و عظمت بناهای زمان ساسانی در عصر خسرو پرویز و محبوبه‌اش شیرین نیست» [۱۳، ص ۱۲۴].

نویسندگان و سخنوران و تاریخ‌نویسان عرب، اغلب شرح زیبایی این باغ و قصر درون آن را ذکر کرده‌اند. ابن‌رسته در سده سوم هجری راجع به این قصر می‌گوید که: «ایوان بزرگ با

همان‌طور که ذکر شد کاخ خسرو در باغ بزرگی با محیط حدود شش هزار متر، بنا شده است. نویسندگان عرب درباره این نزهتگاه وسیع، که امروز چیزی از آن باقی نیست، به شرح زیبایی و شمار جانوران نادر و کمیاب آن پرداخته و به تفصیل در مدح زیبایی این تفرجگاه بحث کرده‌اند [۱۱، ص ۶۵۰]. قصر کوچکتری در جانب غرب عمارت بزرگ، یعنی در گوشه جنوبی باغ برپا بوده که ظاهراً بارگاه سلطنتی نیز بوده است. در خارج حصار عمارت بزرگ، آثار قلعه مستطیلی با برجهای گرد و خندق آن، گویای آن است که سربازخانه و یا اقامتگاه قراولان شاهی در این مکان بوده است [۱۰، ص ۲].

اما خانم ایدیت پرادا در کتاب خود درباره کاخ خسرو می‌نویسد: «کاخ عمارت خسرو در قصر شیرین، مجموعه عظیم الجسه و گسترش یافته‌ای است که یک تالار ورودی ایوان شکل، یک تالار گنبددار چهارگوشه، اتاقهای کناری، حیاطها و همچنین اتاقهای مسکونی دور تا دور آن که از زمان خسرو دوم ساخته شده، متشکل است. این بنا ۲۵۰ متر درازا و ۱۹۰ متر پهنا داشته و بر یک مصطبه مصنوعی به بلندی هشت متر برپا شده که در برابر آن یک راه باریک آب حدود ۵۰۰ متر جریان داشته است» [۱۲، ص ۲۸۲] (شکل ۳).



شکل ۳ نقشه سه بعدی از قصر شیرین برگرفته از کتاب آرتور ایهام پوپ

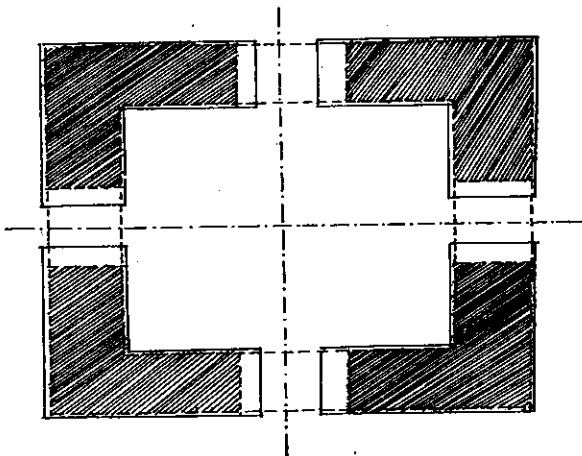
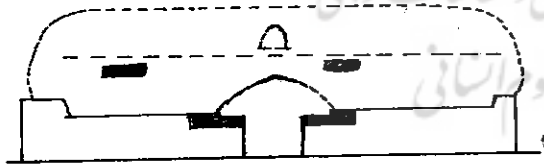
آرتور کریستن سن در این باره می‌گوید: «در آنجا قلعه مربعی است موسوم به قلعه خسروی که چند برج دارد و خندقی آن را احاطه کرده است و پلی طاق‌دار بر آن خندق زده‌اند. در زمین مسطحی که قلعه خسروی بر آن مشرف است، باغ وسیعی، که دیوارهایش در حال شترگلو محسوب می‌شد، با کاخ مجللی که امروز حاجی قلعه‌سی می‌خوانند و عمارتی عظیم که چوارقاپو



زان دمرگان، مهندس معدن و زمین‌شناس فرانسوی، که حفاریهای باستانی زیادی در ایران انجام داده در سال ۱۸۹۷ میلادی بناهای درهم ریخته قصر شیرین را دیده و چنین نگاشته است: «این بنا مشتمل بر یک محوطه وسیع درختکاری شده با دو قصر و یک قلعه استحکاماتی در وسط شهر است. اردوگاهی که امروز قلعه خوانده می‌شود دور تا دورش برجهایی بوده که امروز جز پی‌ها و زیربناهای آن دیده نمی‌شود. مقر سلطنتی در میان یک محوطه درختکاری وسیع که امروز جز دیوارهای حصار آن وجود ندارد، واقع می‌بود. به روی حصار محرابی، جهت بردن آب به تمام قسمتهای باغ وجود داشته است. بنای اصیل و عمدۀ، معروف به قصر شیرین به شکل یک مستطیل دراز است که اضلاع آن به سمت مشرق پیچیده‌اند و روبروی آن انبار آب درازی وجود داشته است» [۴، ص ۷۸].

۳- بنای چهارقاپی

در گوشه جنوبی باغهای قصر شیرین تالار عظیم گنبدداری باقی‌مانده که ساختمانهای ویران شده آن را احاطه کرده است. این بنای عظیم به چهار طاقی، چهارقاپی و چوارقاپی (چهاردر) نامیده می‌شود. این چهارطاقی بنای آتشکده‌ای است، از دوره ساسانی که با سنگ و گچ ساخته شده و بزرگترین آتشکده دوران ساسانی به شمار می‌رفته است. این آتشکده دارای اتاقی است که در وسط به شکل مربع ساخته شده و سقف آن گنبدی می‌باشد [۱۵، ص ۱۶۳ و ۱۶۴] (شکل‌های ۴ و ۵).



شکل ۴ نقشه چهار قاپی قصر شیرین

شکوهی از آجر و گچ داشت و در اطراف ایوان، اتاقهای به هم مربوط، وجود داشت» [۹، ص ۱۸۸].

در کتاب حدودالعالم که در سده چهارم هجری به رشته تحریر درآمده، نوشته شده است: «قصر شیرین دهی است بزرگ و باره‌ای دارد از سنگ و اندر روی یکی ایوان است از سنگ مرمر گسترده» [۱۳، ص ۱۸۹].

یاقوت حموی و حمداله مستوفی نیز از این قصر به تفصیل سخن رانده و معلوم می‌شود که تا زمان آنها مانده‌هایی از این قصر سرپا بوده است و سایر مورخان از قبیل استخری و ابن حوقل و مقدسی نیز از آن نام برده‌اند. در کتاب فردوسی المرشدید که به سال ۷۲۸ هجری نوشته شده، ابیاتی در وصف این کاخ، بدین شرح آمده است: شیخ مرشد قدس‌الله روح‌العزیز گفت ابوالحسن احمد بن عبدالله بن رزیک بغدادی ما را خیر کرد و گفت چون به قصر شیرین رسیدم، نگاه کردم و آن قصر دیدم که از سنگهای عالی پرداخته بود و هر سنگی چند کوه‌پاره، با این همه خراب شده بود. پاره سنگ دیدم که این ابیات بر وی کتابت کرده بودند: معنی برگرفته شده از ابیات عربی: ای که می‌بینی قصری چنین عالی، بنگر که چگونه خراب شده است. چون چنین است مغرور مشو تو به بنایی که از گل کرده‌ای، که قصر شیرین که از سنگ پرداخته‌اند چنین خراب شده است، و بنگرید به دیوارهای آن که چگونه هر پاره‌ای به جایی افتاده است، شما امید می‌دارید ایستادن بنایی که از گل کرده‌اید جاودان بماند» [۹، ص ۱۸۹].

حمداله مستوفی در نزهت‌القلوب آورده است: «آب حلوان از آنجا می‌گذرد و هوای عظیم بد دارد و به هنگام گرما، اکثر اوقات آنجا باد مسموم آید. جویی که گویند شیر در او می‌رفت، باجگاهی (تاجگاهی) ساخته‌اند که بر بلندی است تا آب روان بر باجگاه باشد و خیکهای شیر در آن جوی افکنده باشند تا به باجگاه و قلعه برد، زیرا که زهر گیاه است چراگاه گله نیست» [۱۴، ص ۴۳].

مرحوم سعید نفیسی در کتاب تاریخ تمدن ایران ساسانی، درباره قصر شیرین چنین می‌گوید: «در روزگار عضدالدوله دیلمی یعنی اواسط قرن چهارم هجری قمری، قصر شیرین کاملاً ویران شده بود و در کتیبه آن قصر این بیت خوانده می‌شد:

هژبرا به کیهان انوشه بدی

جهان را به دیدار توشه بدی

به استناد این بیت معلوم می‌شود قصر شیرین، نقش شیری، که احتمالاً جزو علائم سلطنتی بوده، داشته است» [۴، ص ۱۷۹].

اصلی در زیر گنبد، برگزار می‌شده است و گروه پرستندگان می‌توانستند از چهار سوی آن، آتش فروزنده را مشاهده نمایند. به علت مساحت محکم و اساسی چهارطاقی آتشگاه نسبت به دیگر مکانهای آن، تا روزگار ما هنوز تعداد بسیاری از این گنبدهای عظیم به‌جامانده است [۱۷، ص ۱۲ و ۱۳]. به طور کلی شکل این بناهای مذهبی یکسان بوده است. گنبدی روی گوشواره‌ها و بر بالای چهار پایه بزرگ طاق‌نماهای آنها به یکدیگر، می‌پیوست. گاه دالانی اتاق داخلی را احاطه می‌کند و برای آن حالت حفاظ دارد [۵، ص ۶۵]. گنبد این بناهای چهارضلعی، عموماً قبه‌ای و یا نیم‌کره‌ای می‌باشند. بسیاری از این نوع بناها، امروزه از بین رفته و بقیه نیز فقط خرابه‌هایی بیش نیستند. گنبد و ایوان و طاق‌نماها و طاقهای گهواره‌ای، اساس ساختمان معماری دوران ساسانیان را تشکیل می‌دهند. گنبدها روی فیل‌پوشهایی که در چهار گوشه تالار مربع شکل بر بالای دیوارها به‌کاررفته، بنا شده است. به‌وسیله این فیل‌پوشها طرح مربع تالار و در بالا به چند ضلعی هشت گوشه‌ای تبدیل یافته و کار بنیاد گنبد را آسان ساخته است.

از نمونه‌های این قبیل آتشکده یا چهارطاقی، می‌توان به آتشکده‌های نیاسر (در نزدیکی کاشان) مربوط به قرن دوم میلادی و یا آتشکده تپه میل در جاده ورامین و آتشکده معروف فیروزآباد و یا چهارطاقیهای نظنز که بیشتر با سنگ و آهک ساخته شده‌اند و نمونه‌های کاملی از معماری آتشکده‌های دوره ساسانی اشاره کرد. اما چهارطاقی قصر شیرین با طول و عرض ۲۵ متر [۷، ص ۹۸] و عرض دهانه‌ای حدود ۱۶ متر [۱۳، ص ۱۲۴] و چهار دروازه بلند با ورودی هلالی در وسط چهار دیوار اطراف آن دارای بزرگترین گنبد دوره ساسانی است که روی این آتشکده ساخته شده است. وجه تسمیه چهارطاقی نیز شاید همین چهاردروازه بلند آن باشد.

در چهار گوشه اتاق هنوز گوشواره‌های طاقی، که سابقاً این طاق را می‌پوشانیده، دیده می‌شود. تالار گنبد به استثنای طاق درگاه‌ها، که آجری است، با قله و سنگهای طبیعی تراشیده و بار ساروج ساخته شده است [۱۶، ص ۵۰].

در قسمت بالای بدنه آتشکده، درجه‌های کوچکی در اطراف دیده می‌شود که احتمالاً به‌منظور تهویه هوا و نور به کار برده شده است. در بالای دیوارهای جانبی از بیرون آثار باقیمانده پایه و انحنای طاق گنبد بزرگ که با همین مصالح ساختمانی، یعنی سنگ و ساروج ملاط ماسه و آهک ساخته شده، دیده می‌شود. نگارنده خود حدود ۵۰ سال پیش شاهد بقایای پوشش بالای آتشکده بوده است.



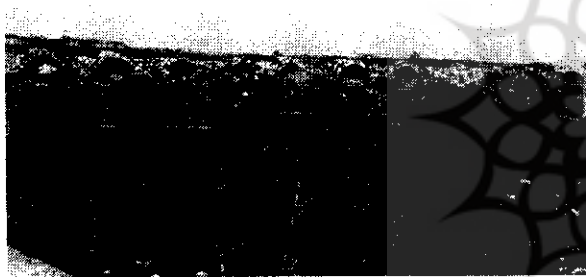
شکل ۵ چهارطاقی بازمانده آتشکده دوره ساسانی پیش از جنگ تحمیلی

در یادداشت‌های مورخان به راهروهای اطراف این اتاق بزرگ اشاره شده است [۱۶، ص ۵۰]. با حفاریهایی که در چند سال اخیر، یعنی پس از جنگ تحمیلی، کارشناسان سازمان میراث فرهنگی در اطراف این بنای عظیم انجام داده‌اند، راهروهایی پیدا شده که به دلیل ادامه این کاوشها، هنوز نتیجه نهایی به درستی منعکس نشده است. امید این که زحمات کارشناسان میراث فرهنگی زوایای تاریک تاریخ این بنای قدیمی را روشن کند؛ زیرا که هنوز بحث در این است که آیا اینجا، آتشکده بوده و یا بارگاه شاهی. اما شباهت کامل از حیث شکل با ساختمانهای آتشکده دوره ساسانی مشهود است. آتشکده‌های ساسانی، که در سراسر سرزمین ایران ساخته و پراکنده شده، سبکی بسیار ساده و گیرا نیز دارد.

آندره^۱ گذار در زمینه بناهای مذهبی عصر ساسانی بیش از دیگران تفحص کرده، این بناها را به دو دسته مشخص تقسیم کرده است. طبق تقسیم‌بندی وی، دسته اول از این بناها مخصوص نگهداری آتش بوده است که باید آنها را آتشکده نامید. این بناها ویژه موبدان و نگهداران آتش و دیگر کارگزاران آتشکده بوده و به تعداد نسبتاً معدود بنا می‌گشته است. دسته دوم که باید از آنها به عنوان آتشگاه یا محل پرستش آتش یاد نمود، برای برگزاری مراسم نیایش در حضور جمعیت کثیر شرکت‌کنندگان بوده است. این آتشگاهها چهارطاقی عظیم گنبدداری در وسط دارند که مراسم



احتمالاً این محل، اداره بزرگ ارتش داران بوده است. این بنای بزرگ که زمین زیادی را در زیر ساختمان خود دارد، شامل دو طبقه بوده است. بقایای طبقه دوم هنوز به خوبی خود را نشان می دهد. این طبقه به مرور زمان و با توجه به این که مردم از مصالح ساختمان آن استفاده کرده اند، خراب شده است. طبقه همکف که از سطح زمینهای اطراف بلندتر است، در اطراف دارای اتاقهای ردیف شده متعددی است که با داشتن طاقهای هلالی، نمونه بسیار خوبی از معماری طاقدار دوره ساسانی است. تمام این بنا از سنگهای قلمه و تراشیده، همراه با ملاط ساروج ساخته شده اند. گفته می شود از حاجی قلعه سی با راهروهای زمینی به کاخ و چهارقاپی گذرگاهی وجود داشته است^۱ (شکل ۷ و ۸ و ۹).



شکل ۷ حاجی قلعه سی



شکل ۸ حاجی قلعه سی و طاقهای هلالی آن

با توجه به معماری و ساخت این نوع بناهای مذهبی، بویژه دوره ساسانیان، که نشانه هایی از قوه ابتکار مهندسان و معماران ایران باستان در پدید آوردن سبک تازه معماری به شمار می روند، نتیجه می گیریم که: «آتشکده های ساسانی و سبک چهارطاقی در عین سادگی دارای گیرایی و ایجادکننده حالت روحانی و آرامش خاص در بیننده است. این ویژگیها که نمایشگر درجه تکامل این سبک ساختمان است، با نفوذ در فرهنگهای دیگر، به سرزمینهای مشرق و مغرب ایران نیز اشاعه یافته است. این سبک معماری در شرق در معابد بودایی و در غرب در اماکن مقدس مسیحی راه یافته و سبکهای محلی آن سرزمینها را تغییرات و غنای زیادی بخشیده است.

در ایران پس از اسلام نیز، سبک معماری این آتشکده ها در ساختن مسجد و اماکن مقدس اسلامی پذیرش کامل یافت و ساختمان بسیاری از مسجدها و مقبره ها بر این سبک و به روی بقایای همین آتشکده ها برپا شده است. متأسفانه از بنای زیبایی چهارقاپی، به دلیل جنگ تحمیلی، امروزه فقط قسمتهایی از آن باقی است. با تمام خرابیهایی که در اثر این جنگ در این بنای باشکوه وارد شده، هنوز خرابیهایی آن تصویر دقیقی از عظمت این آتشکده را به دست می دهد. به امید این که این اثر تاریخی به زودی مرمت و بازسازی شود (شکل ۶).



شکل ۶ چهارقاپی پس از جنگ

۴- حاجی قلعه سی

یکی دیگر از مجموعه بناهای دوره ساسانی در قصر شیرین، ویرانه های حاجی قلعه سی است، این نام از ترکهای عثمانی به یادگار باقی مانده است.

۱. در سالهای اخیر در این مکان حفاری و خاکبرداری آغاز شده است.

شده، به وسیله تپوشه‌های بزرگ آب را از اینجا به قصر شیرین می‌برده‌اند. در فاصله قریب به پانصد متر از نهر شاهگدار در طرف راست جاده، سنگهای تراشیده بزرگی کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند که فاصله آنها مستقیماً از جاده جدید حدود ۲۰۰ متر است. این سنگهای تراشیده، باقیمانده بنای عظیمی است که تقریباً ۱۰۰ متر طول و ۶۰ متر عرض داشته است. نوع سنگ صغه از همان سنگهای خاکستری رسوبی محلی تشکیل شده که تراش خورده و با ملاط همراه است. سبک این بنا به آثار اشکانی شباهت فراوانی دارد [۴، ص ۷۹ و ۸۰].



شکل ۹. نمایی از طبقه دوم حاجی قلعه‌سی

از دیگر آثار تاریخی این شهر مرزی و قدیمی، بنای بام قلعه که ویرانه‌هایش در یک بلندی برفراز شهر قرار دارد، همچنین بقایای سربازخانه در یکی از بلندبهای شهر از دوران ساسانیان و بنای تکیه و بقایای کاروانسرای شاه عباسی، که قبل از انقلاب به مدرسه تبدیل شده بود و قلعه جوانمیری، از جمله آثار گذشته این شهر است که در اثر جنگ تحمیلی، تعدادی از آنها ویران شده است. اطلاعات سینه به سینه و روایاتی می‌گویند در اصل نام این شهر «جام‌زر» بوده است. در هنگام استیلای عرب، نام «قصر شیرین» به این شهر داده شده است.

۷- سخن آخر

شهر قصر شیرین در کنار شاهراه معروف فلات مرکزی ایران و بر سر راه زاتران ایرانی به عراق، واقع شده است. این شهر تاریخی و باستانی، به دلیل دارا بودن ویرانه‌های دوران ساسانیان در بین باستان‌شناسان و پژوهشگران اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا بقایای پرستشگاه با بزرگترین گنبد آن، کاخها و عمارتها و باغهای وسیع و باشکوه، این شهر را به عنوان اقامتگاه خصوصی ساسانیان معرفی می‌نمایند.

همچنین وجود سربازخانه و یا اقامتگاه قراولان و ایجاد شبکه آب‌رسانی، همگی دلیلی بر اهمیت این شهر در دوران گذشته است. شاید زود خراب شدن این آثار ناشی از شتاب در ساختن بناهای این شهر بوده است. در داستانهای قدیم آمده است که «پرویز برای رسیدن به وصال شیرین همسرش، شتاب داشته و فرمان داده بود که هرچه زودتر این کاخها را آماده کنند. در نتیجه بناهایی که در دوران ساسانیان ساخته شده‌اند بسیار وسیع و فاقد استحکام کافی بوده است. در جنگ تحمیلی همین ویرانه‌ها و دیگر بناهای شهر بار دیگر خراب شد و نشانی از آبادانی و عمران به

۵- حوش کری

در فاصله ۵ کیلومتری شمال شهر قصر شیرین، بقایای آثار دیگری از دوره ساسانیان منسوب به خسرو دوم [۷، ص ۹۸] به جا مانده که در نزد اهالی محل به نام حوش کری (یعنی «خانه اسپان») نامیده می‌شود [۱۵، ص ۱۶۳]. اینجا را طویل شاهنشاهی معرفی کرده‌اند. برخی هم احتمال داده‌اند که در این محل قصری برای اقامت شاهنشاه یا یکی از سرداران یا بزرگان آماده کرده‌اند [۴، ص ۷۸]. در زمان شکوفایی و آبادانی، دارای باغها و ابنیه و متعلقات بوده و ترکیب آن شبیه به ساختمانهای قصر شیرین و در اعداد یکی از قصور سلطنتی عصر ساسانیان به‌شمار می‌آمده است. در اطراف خرابه‌های آن، آثار باغها و بناهای دیگری نیز به نظر می‌رسد [۱۵، ص ۱۶۳].

۶- نهر شاهگدار

حدود ۵ کیلومتری قصر شیرین در طرف راست جاده، محلی به نام «شاهگدار» موجود است که آثاری از روزگار ساسانیان هنوز در آن به چشم می‌خورد. این آثار باقی‌مانده عبارت از بقایای نهر طولی است که قسمتی از آن در امتداد جاده کرمانشاه به قصر شیرین قرار دارد و نزدیک به یک کیلومتر از آن هنوز برجاست. عرض این نهر ۷/۵ متر است. ساختمان این نهر از تخته سنگهای سرخ رنگ محلی است که تراشیده با ملاط ساخته شده است. در میانه‌های این نهر، بنیان یک بنای چهار ضلعی وجود دارد که در یک قسمت آن آثار و بقایای بنای جدیدتری موجود است. در محلی به نام «مله یعقوب» نزدیک ده «کلانتر» نیز آثار نهری وجود دارد که در بعضی نقاط به همین شکل و در نقاط دیگر که از زیرزمین عبور داده



جای نماند؛ اما امروز با همت مردم متعصب و وطن‌دوست و با بازسازی این شهر، بار دیگر قصر شیرین، شکوه و زیبایی و اهمیت خود را پیدا خواهد کرد و درختان خرما، لیمو، پرتقال و نارنج آن به ثمر می‌رسد و رودخانه الوند برای همیشه روان خواهد ماند.

۸- منابع

- [۱] از قصر شیرین به طوس، «آثار و ابنیه تاریخی واقع در عرض راه»؛ ترجمه رشید یاسمی، وزارت معارف، انتشارات اداره کل تحقیقات تهران؛ ۱۳۱۳.
- [۲] عزت‌اله؛ بیات؛ «آثار باستانی کرمانشاه»؛ کرمانشاه؛ ۱۳۳۰.
- [۳] پرادا، ایدیت؛ «هنر ایران باستان» ترجمه یوسف مجید زاده؛ انتشارات دانشگاه تهران؛ ۲۵۳۷
- [۴] پوپ، آرتور اِبهام؛ «معماری ایران» ترجمه غلام‌حسین صدری افشار؛ انتشارات انزلی؛ ارومیه؛ چاپ نقش جهان؛ ۱۳۶۶.
- [۵] تجویدی، اکبر؛ «تداوم در معماری ایران» مجله هنر و مردم دوره جدید شماره ۱۱۱؛ انتشارات وزارت فرهنگ و هنر؛ تهران؛ ۱۳۵۰.
- [۶] دیاکونوف، ا. م؛ «تاریخ ایران باستان»؛ ترجمه روحی ارباب؛ شرکت انتشارات علمی و فرهنگی؛ تهران؛ ۱۳۴۶.
- [۷] زاهد، جلیل، محمدرضا، زهتابی؛ «ایران زمین» تهران، ۱۳۴۸.

- [۸] عباس، زمانی؛ «تأثیر هنر ساسانی در هنر اسلامی»؛ از انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر؛ تهران؛ ۲۵۳۵.
- [۹] سایکس، سرپرسی؛ «تاریخ ایران» جلد اول ترجمه فخر داعی گیلانی؛ چاپ وزارت فرهنگ؛ تهران؛ ۱۳۲۳.
- [۱۰] ساعی، علی؛ «تمدن ساسانی» جلد دوم؛ چاپخانه موسوی؛ شیراز؛ ۱۳۴۴.
- [۱۱] کریستن سن، آرتور؛ «ایران در زمان ساسانیان»؛ ترجمه رشید یاسمی؛ انتشارات ابن سینا؛ تهران؛ ۱۳۵۱.
- [۱۲] گدار، آندره؛ «هنر ایران» ترجمه بهروز حبیبی؛ دانشگاه ملی ایران؛ تهران؛ ۱۳۵۸.
- [۱۳] گلزاری، مسعود و دیگران؛ «کرمانشاهان باستان از آغاز تا آخر سده سیزدهم هجری قمری»؛ وزارت فرهنگ و هنر (بی‌تا).
- [۱۴] مستوفی، حمداله؛ «نزهة القلوب»؛ انتشارات کتابخانه طهوری، تهران؛ ۱۳۳۶.
- [۱۵] مشکوتی، نصرت‌اله؛ «فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران» وزارت فرهنگ و هنر؛ تهران؛ ۱۳۴۹.
- [۱۶] واندنبرگ، لوتی؛ «باستانشناسی ایران باستان» ترجمه عیسی بهنام؛ چاپخانه دانشگاه تهران؛ تهران؛ ۱۳۴۵.
- [۱۷] ویلسن، کریستی؛ «تاریخ صنایع ایران»؛ ترجمه عبدالله فریار، انتشارات تهران؛ «فرهنگسرا» تهران؛ ۱۳۶۶.